

## تاریخچه قالی بافی در ایران

امید لوئی

بی‌گمان قالی دست بافت زیباترین و اصیل‌ترین فرآورده‌ای است که تا کنون شرق به عالم عرضه کرده است. این هنر از سال‌ها پیش توجه هنرشناسان غربی را به خود جلب کرده و در باره آن به تحقیق و تفحص پرداخته‌اند. اکنون هزاران قطعه قالی نفیس ایرانی زینت بخش موزه‌های جهان و مجموعه‌های خصوصی است.

در سال‌های اخیر خرید و فروش قالی در بسیاری از کشورهای آسیائی از قبیل ایران، افغانستان، ترکیه، هندوستان، پاکستان، نپال و چین رواج پیدا کرده و به صورت یکی از رشته‌های مهم تجارت درآمد است.

سابقه قالی بافی در ایران به زمان هخامنشیان باز می‌گردد که اکنون به تاریخچه این هنر اصیل می‌پردازیم:

### الف- دوره قبل از اسلام

تا سال‌های اخیر مدارك دقیقی از سابقه بافت قالی در ایران وجود نداشت. تنها کزنفون مورخ یونانی در تاریخ خود اشاره‌ای به قالی بافی در ایران کرده می‌نویسد پادشاهان هخامنشی در سارد کارگاه قالی بافی داشته‌اند.

در سال ۱۹۶۱ هیئتی از کاوشگران روسی به سرپرستی پروفیسور رودنکو در دره، پازاریک در کوه‌های آلتای (ALTAI) به کشف قالیچه‌ای از دوره هخامنشی که به سبب یخبندان شدید تقریباً سالم مانده بود نائل شدند. این قالیچه به ابعاد  $۱۹۸ \times ۱۸۳$  سانتیمتر بافته شده که گوشه آن آسیب دیده و نقشه آن بطوری که در تصویر دیده می‌شود در عین سادگی بسیار زیباست. در قسمت وسط شش مربع بطور افقی و چهار مربع بطور عمودی طراحی شده. در میان هر

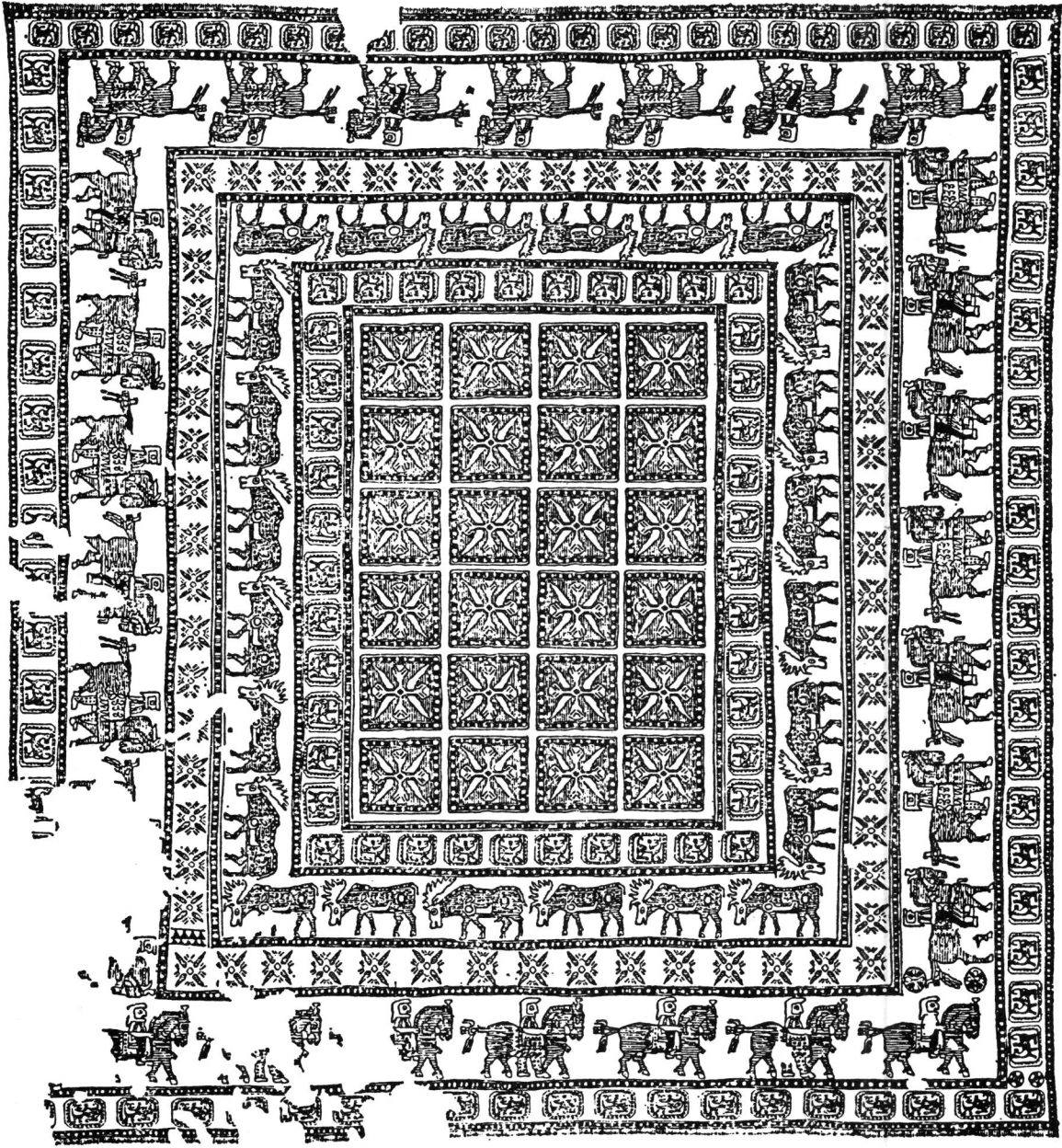
مربع شکلی به صورت ضرب در (x) دیده می‌شود که چهار گل چند پر آنها را احاطه کرده است. (مشابه این طرح در آثار زمان آسوریان دیده می‌شود). این طرح زیبا به رنگ زرد روشن و آبی سیر تزئین شده و رنگ زمینه، آن آجری (ابلق) است. در تره، (حاشیه) اول مربع‌های دیگری بچشم می‌خورد که مابین آنها «گریفین» (حیواناتی با سر عقاب و بدن شتر) که منقارهای آنها باز می‌باشد دیده می‌شود. این نقوش روی کتیبه‌های کاخ آپادانا و همچنین بر روی جلد شمشیرهای افراد گارد شاهان هخامنشی دیده می‌شوند. در حاشیه، اول تعدادی بز کوهی بچشم می‌خورد که بدن آنها قرمز و زرد و آبی سیر است که با یکدیگر هماهنگی دلپذیری دارند. در اوائل کشف پارایک مکتشفان تصور می‌کردند این حیوانات گوزن هستند ولی بعداً متوجه شدند که بز کوهی یا آهوی نر می‌باشند که در خاور میانه فراوان است. تره، (حاشیه) بعدی با گل‌هایی که شباهت زیادی به نقشه، زمینه، پارایک دارد تزئین شده است. حاشیه، اصلی را سوارکارانی تزئین کرده‌اند که به صورت منظم اطراف پارایک را احاطه کرده‌اند.

جنس اصلی پارایک از پشم خالص تابیده شده و تعداد گره‌های آن در حدود ۳۶۰۰ گره در هر دسیمتر مربع است. این نوع گره معمولاً در نواحی شمال غربی ایران و قفقاز دیده می‌شود. محل بافت پارایک از روی نحوه، لباس و زین و برگ سواران و نوع گره فرش ثابت شده که در نواحی شمال غربی ایران یعنی منطقه آذربایجان و حدود ارمنستان می‌باشد و تا محل کشف حدود سه هزار میل فاصله دارد.

پارایک در آرامگاهی مانند آرامگاه‌های پادشاهان سده‌های قبل از میلاد پیدا شده و بنظر می‌رسد متعلق به گورکان پنجم یکی از پادشاهان دوره سکائی بوده است. به احتمال قریب به یقین این قالی از وسائلی بوده که همیشه به دنبال جسد پادشاهان به آرامگاه برده می‌شده و برای مراسم تدفین پادشاه و همسرش طراحی و بافته شده بوده است. تحقیقات کارشناسان نشان می‌دهد که پارایک به وسیله افراد عشایر بافته نشده بلکه به وسیله طراحان مخصوص برای شخص بلند مرتبه‌ای بافته شده بوده است. به نظر کارشناسان موزه هنرهای زیبای نیویورک قدمت پارایک به پنج قرن قبل از میلاد مسیح می‌رسد که با موارد تاریخی مذکور تطبیق می‌کند.

قالیچه، بسیار کوچک دیگری نیز (قطعات آن به صورت پراکنده) بدست آمده که در هر یک از مربع‌های آن ملکه‌هایی در دو طرف آتشدان دیده می‌شود. تار قالیچه ابریشمین و پود آن پشمین است. این قالیچه‌ها در لنینگراد در موزه ارمیتاژ نگهداری می‌شوند. هنر قالی‌بافی در زمان سلوکیان و اشکانیان در ایران رونق داشته و راه کمال پیموده است تا اینکه در دوره ساسانی به درجه عالی رسیده است.

در چهار قرن شاهنشاهی ساسانیان قالی بیشتر جنبه تزئینی داشته و کمتر استفاده فرش از آن می‌شده است. قالی در این دوره بیشتر زربفت بوده و با سنگ‌های قیمتی تزئین می‌شده است. از این نمونه است قالی معروف «بهارستان» که زینت بخش تالار بزرگ کاخ شاهنشاهی ایران در تیسفون بود و در حمله اعراب به دست لشکریان اسلام افتاد و آن را قطعه قطعه کردند و به یغما بردند. طبری مورخ معروف دوران اولیه اسلام در باره این فرش می‌نویسد: تار و پود



قالی بازاریک (شرح در مقاله تاریخچه قالی بافی)

بهارستان ابریشم و نخ زرین بوده و بر آن گوهرها نشانده و آن را با طلا و نقره تزئین کرده بوده‌اند. زمرّد را برای سبزی برگ درختان و مروارید و گوهرهای دیگر را بجای شکوفه و گل‌ها بکار برده بوده‌اند. به نظر محققان این فرش که در زمان خسرو انوشیروان مخصوص این تالار بافته شده بوده پُرز نداشته است، چون در آب و هوای گرم منطقه، تیسفون (عراق کنونی) قالی پرزدار چندان مناسب بنظر نمی‌رسد، و از طرف دیگر زربفت ساختن و جواهرنشان کردن قالی پرزدار معمول نبوده است. این قالی که تقریباً به ابعاد  $28 \times 28$  متر بافته شده بوده اگر پرز می‌داشت بیش از دو تن وزن پیدا می‌کرد و به فرض محال چنین قالی عظیم و سنگینی بعید به نظر می‌رسد یکپارچه بافته شده باشد.

فردوسی حماسه سرای بزرگ ایران در شاهنامه اشاراتی به قالی ایران که زینت بخش بارگاه‌های سلطنتی و خیمه‌های پهلوانان بوده و در آئین‌ها و جشن‌ها استفاده می‌شده دارد. در داستان بیژن و منیژه در مقام توصیف و ستایش، فرش دیبائی را به «پر طاووس» که به کمال زیبایی نزد ایرانیان شهرت دارد نسبت داده و چنین سروده است:

به دیبا زمین کرد طاووس رنگ ز دینار و دیبا چو پشت پلنگ

نگاهی به طرح‌های قرون اولیه، اسلام و قالی‌های بافت قبضیان تأثیر هنر ساسانی و سیر تکاملی قالی را در آن زمان نشان می‌دهد.

### ب- قالی بافی در دوره اسلامی

مدارک متعددی که از دوره بعد از اسلام بجا مانده سیر تکاملی این هنر را روشن می‌کند. کتاب «حدود العالم» اشاره کوتاهی در باره قالی بافی در فارس دارد. مقدسی یک قرن بعد در باره قالی‌های قائنات و یعقوبی مفصلاً از قالی‌های گرانبهائی که در آذربایجان بافته می‌شده سخنانی دارند. ابن بطوطه در سفرنامه‌اش از قالی سبزی که در ایذج (ایذه) گسترده بوده‌اند سخن رانده است.

در دربار خلفاء شام و بغداد قالی‌های گرانبهائی وجود داشته است. هشام ابن عبدالملک قالی زربفتی داشته که آن را همتای فرش «بهارستان» می‌شمرده است. به نوشته مسعودی در بارگاه خلیفه المستنصر بالله فرشی با صورتهای انسان و کتیبه‌هایی به زبان فارسی وجود داشته است.

یادداشت‌های پراکنده مورخین مذکور نشان می‌دهد که در قرون اولیه اسلامی قالی بافی در مناطق مختلفه ایران رواجی کامل داشته. لازم به تذکر است که قالی‌های آن زمان اغلب به وسیله روستائیان و عشایر و قبائل بافته می‌شده است و در قرن سوم هجری در اغلب نواحی ایران قالی بافی رواج داشته است. در خراج‌هایی که به دربار خلفای بغداد از نواحی ایران ارسال می‌شده تعدادی قالی وجود داشته است. ابن خلدون در باره خراج طبرستان می‌نویسد سالیانه ۶۰۰ تخته قالی به دربار خلفا فرستاده می‌شده است. بطوری که از نوشته‌های مورخان برمی‌آید در آن زمان قالی‌های خراسان بسیار مشهور بوده، در سیستان و خوزستان هم قالی‌های مرغوب کم نبوده است. بعد از حمله اعراب به ایران به واسطه استقرار نظم و آرامشی نسبی در نواحی مختلفه ایران

بغیر از بافت قالی در روستاها و قبائل، در شهرها نیز کارگاه‌های قالی بافی تأسیس شده، ثروتمندان طرّاحان نقشه‌های قالی را بکار واداشته، نقشه‌های قالی رو به تکامل نهاده است. پادشاهان و امیران سلجوقی به هنرهای تزئینی از قبیل نقّاشی و خطّاطی توجّه داشته‌اند ولی به تکامل هنر قالی بافی زیاد توجّه نکرده‌اند، امّا این هنر متروک نشده است.

### قالی بافی پس از حمله مغول

در حمله چنگیز خان به ایران خرابی‌ها و نابسامانی‌های آن دوران به حدّی بود که مجالی برای توجّه به هنرهای زیبا از جمله قالی بافی باقی نمی‌گذاشت. پس از چندین سال که مغولان در ایران مستقر شدند و آرامش نسبی در کشور حکمفرما شد از جمله ایلخانان مغول از روش پادشاهان پیشین ایران پیروی کردند و قالی بافی به روال قدیمی خود افتاد. قالی بافی در زمان غازان خان مغول رواج کامل یافت و چنانکه نوشته‌اند تالارها و اطاق‌های ارگ غازانی در تبریز با قالی‌های بافت فارس مفروش بوده است.

قبل از حمله تیمور لنگ هنر قالی بافی مانند دیگر هنرها رواجی گرفته بود که بواسطه ترکتازی وی دوباره اوضاع کشور آشفته شد ولی در زمان پسرش شاهرخ که آرامشی در کشور برقرار شد، تصویر قالی‌هایی که از آن زمان باقی مانده به رواج دوباره، این هنر دلالت دارد ولی آثار پر ارزشی بوجود نیامده است. اوزون حسن بیش از دیگران به قالی توجّه داشته است. سفیر دربار ونیز در سفرنامه خود از وجود قالیچه‌های ابریشمین در دربار وی سخن می‌راند ولی هنوز نقشه‌های قالی‌ها در حدّ سادگی پیشین باقی مانده بوده است.

### عصر صفوی، اوج هنر قالی بافی

از اواخر قرن نهم هجری اقبال شدیدی به هنر قالی بافی شروع شد و کم‌کم قالی‌باقان و طرّاحان به طرح و بافت طرح‌های جدید منحنی که «اسلیمی» نامیده می‌شود روی آوردند که این طرح‌ها بعداً در زمان صفویه به حدّ کمال رسید. در آن زمان کارگاه‌های قالی بافی که به علت اوضاع آشفته، کشور به حال تعطیل افتاده بود دوباره براه افتاد.

دوران پادشاهان صفوی را باید درخشان‌ترین عصر ترقّی و جلوه هنرهای زیبا نامید. در این عصر انواع رشته‌های هنرهای ظریفه از قبیل معماری، خطّاطی، مینیاتورسازی، نقّاشی، کنده‌کاری، تذهیب، کاشی‌کاری و قالی‌بافی رو به تکامل نهاد و پادشاهان صفوی بزرگ‌ترین مشوّق و حامی این هنرمندان بودند. هنر درخشان عصر صفوی دنباله آغاز تکاملی است که از سال‌ها پیش در زمان شاهرخ و اوزون حسن شروع شده بود و در این دوران به اوج اعتلای خود رسید. هنر در این عصر تحت حمایت مستقیم شاه قرار گرفت. شاه اسماعیل با وجود گرفتاری‌های بسیار در پایتخت خود تبریز کارگاه قالی‌بافی بزرگی تأسیس کرده بود ولی به واسطه اشتغالات فراوان مجال توجّه کامل بدان نیافت. در زمان پسرش شاه طهماسب این کم‌توجهی جبران شد. اگرچه شاه کمتر در حمایت از این هنر دخالت داشت ولی آثاری درخشان بوجود آمد که از جمله یکی از

پرازش‌ترین آنها قالی معروف اردبیل است. این قالی معروف اکنون در موزه «ویکتوریا و آلبرت» لندن نگهداری می‌شود. «قالی اردبیل» از نظر بافت، طراحی و رنگ شاهکاری بی‌همتاست. زمینه، آن آبی سیر و ترنج وسط و چهار لچک اطراف آن زرد رنگ است. ظاهراً این قالی را برای آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی بافته بودند. در طرح وسط آن قندیلی به رنگ زرد و آبی سیر نقش شده که جلوه‌ای روحانی بدان می‌دهد. طول آن ۱۱/۵۰ و عرض آن ۵/۳۴ متر است. بافت آن بسیار ظریف و گره‌ها ریز و یک اندازه است. سی میلیون گره در این قالی زده شده و سیزده رنگ کاملاً مختلف در آن بکار رفته است. هماهنگی و تلفیق طرح‌ها و رنگ‌های این قالی خارج از حدّ وصف و بیان است. طراح این قالی اهل کاشان بوده و در گوشه، آن جمله «بنده درگاه مقصود کاشانی سنه ۹۴۶» دیده می‌شود.

اثر برجسته، دیگر این دوره قالی معروف به «چلسی» است که در همین موزه نگهداری می‌شود. این قالی از قالی اردبیل ظریف‌تر بافته شده به این طریق که قالی اردبیل در هر اینچ مربع دارای ۲۴۰ گره است در صورتی که قالی «چلسی» در هر اینچ مربع آن ۴۷۰ گره وجود دارد. ابعاد قالی چلسی ۲/۴۰ × ۳/۱۶ متر است. در زمینه، آن، میان ترنج و لچک‌های آن، تصویر شکارچیان و جانوران و پرندگان با ظرافت تمام بافته شده است. در میان قالی حوضی کوچک دیده می‌شود که ماهیان در آن به شنا مشغولند. نقش و نگارهای این قالی جلوه‌ای افسانه‌ای بدان بخشیده است.

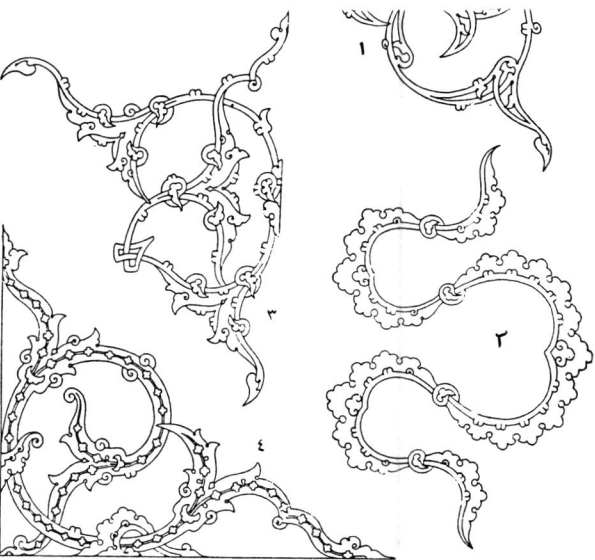
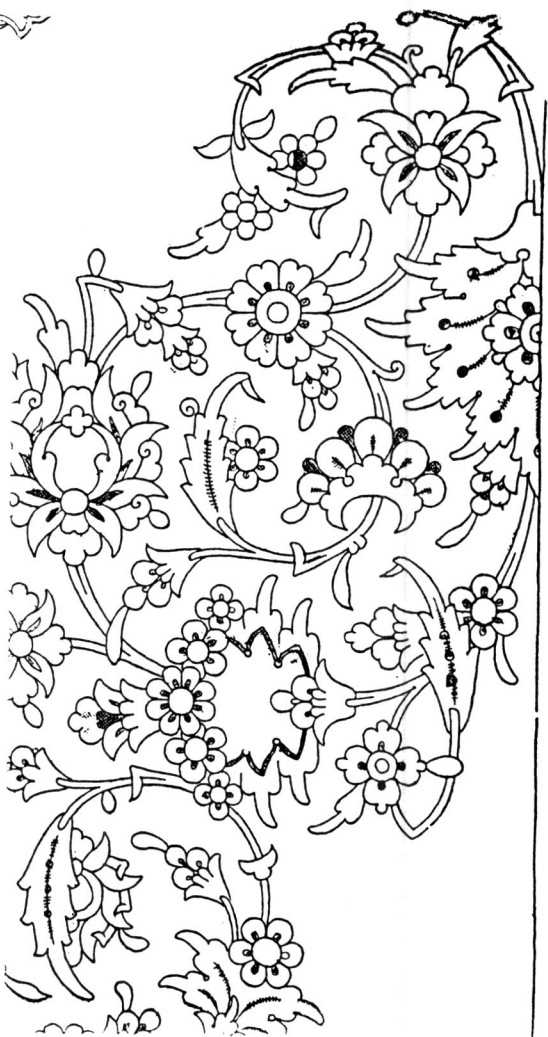
سفیر مجارستان در دربار صفوی در گزارش خود مفصلاً از قالی‌های ابریشمین زیبائی که بافت همدان بوده و در کاخ‌های صفوی پهن شده سخن می‌گوید. شاه طهماسب قالی زیبائی وقف مسجدی در عثمانی کرد و فرش دیگری برای سلطان سلیم هدیه فرستاد که ظاهراً همه ابریشمین و بافت همدان بوده‌اند.

### شیوه، هند و ایرانی

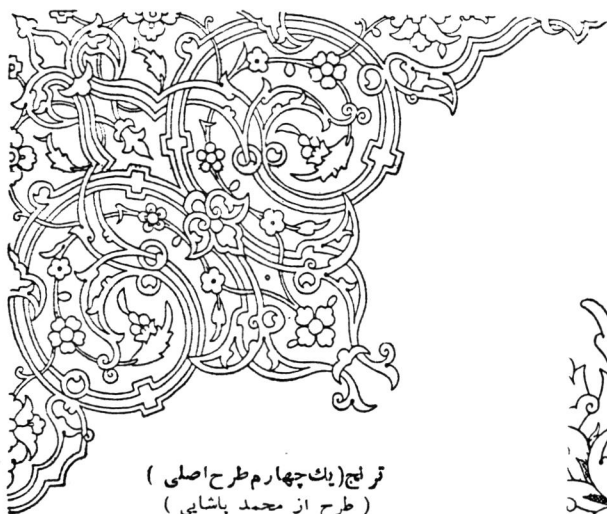
در اواخر قرن دهم هجری یکی از شاهزادگان هندی همایون شاه پسر ظهیرالدین بابر میرزا به دربار ایران پناهنده شد و بواسطه، علاقه، فراوانی که به هنر قالی‌بافی داشت پس از مراجعت به هند، عدّه‌ای از قالی‌بافان ایرانی را به همراه برد. این استادان در آن سرزمین با آمیختن طرح‌های ایرانی با هندی قالی‌هایی با نقشه‌های جدید بوجود آوردند که طرح «هند و ایرانی» نامیده می‌شود. یکی از نمونه‌های برجسته، این مکتب در موزه، آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. در دوره، شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد هنر قالی‌بافی رو به تکامل نهاد و شاهزادگان و درباریان کارگاه‌های قالی‌بافی دائر کردند و در تشویق و حمایت هنرمندان قالی‌باف و طراح کوشیدند. هنر نقاشی کم‌کم در طراحی قالی نفوذ کرد و زمینه برای نقشه‌های ابداعی زمان شاه عباس آماده شد.

### قالی بافی در دوره، شاه عباس بزرگ

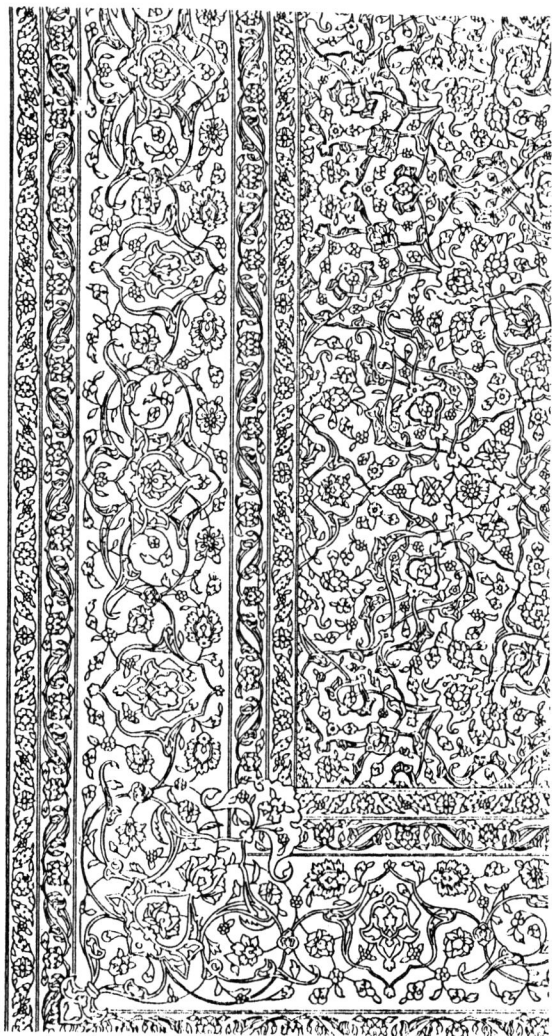
در دوره، شاه عباس کبیر انواع هنرهای زیبا رو به ترقی گذاشت. نقاشی و طراحی قالی و



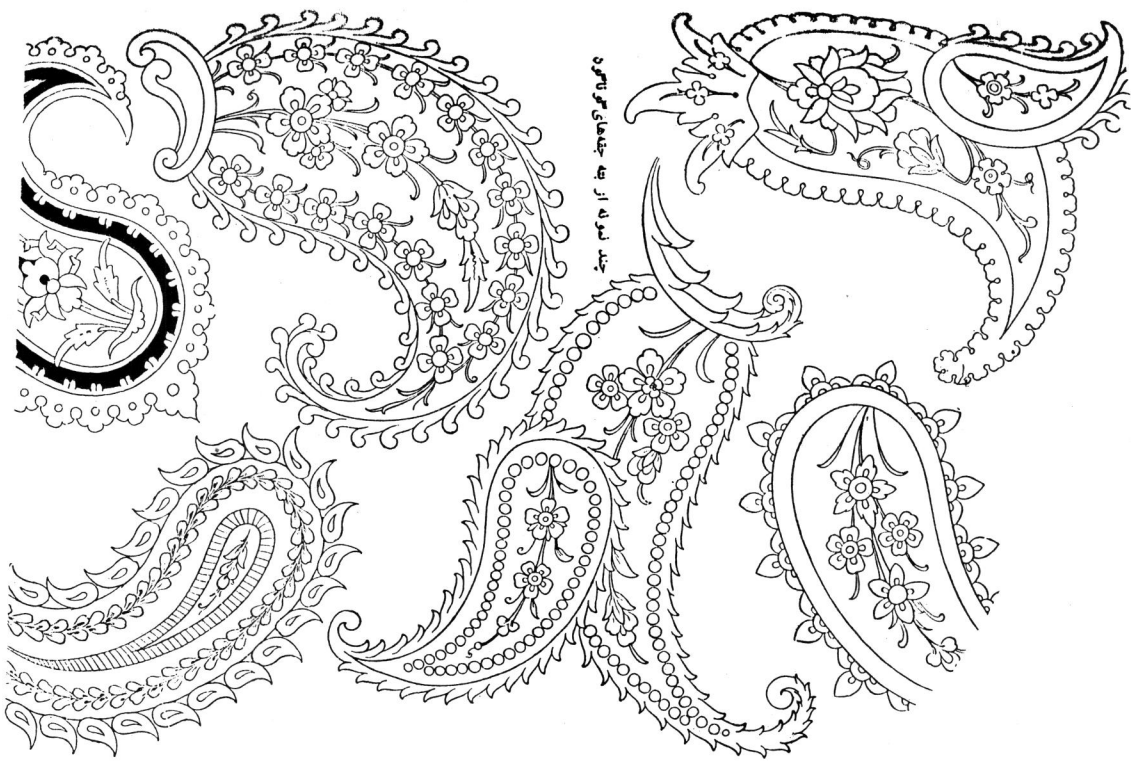
طرح های اسلیمی : ۱ - اسلیمی ساده ۲ - اسلیمی هاری ۳ - اسلیمی دهن اژدری - ۴ - اسلیمی گلدار ( طرح از محمد پاشایی )



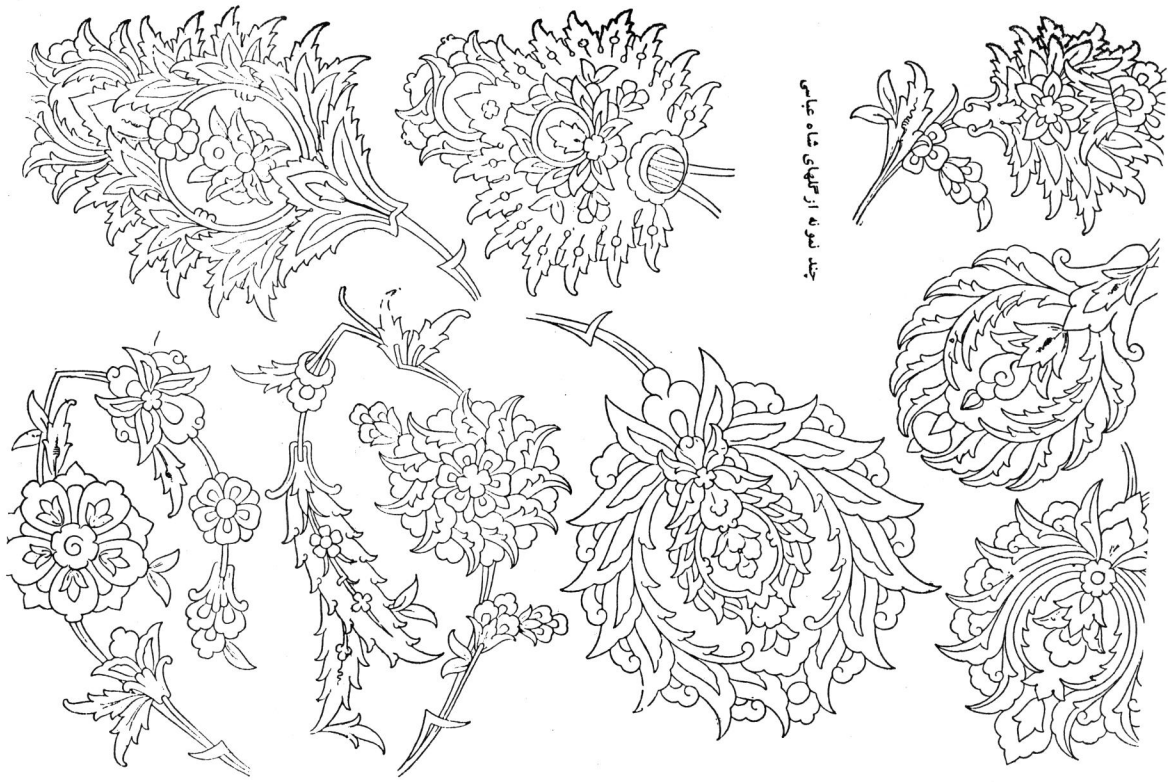
ترنج ( یک چهارم طرح اصلی )  
( طرح از محمد پاشایی )



ترنج بندی ( طرح از طاهر زاده بهزاد )



چند نمونه از به چشماکری ایرانی



چند نمونه از گلپای شاه عباسی



کاشی‌کاری و مینیاتور از جمله هنرهای بود که در دوره این پادشاه رونق گرفت. وی «نگارخانه شاهی» را که در زمان شاه طهماسب بنیان گرفته بود رونق داد و هنرمندان برجسته را در آنجا گرد آورد. قالی بافی مخصوصاً طراحی آن در زمان این پادشاه به اوج ترقی خود رسید. شاه عباس کارگاه قالی‌بافی بسیار بزرگی با قسمت‌های مختلف و منظم در اصفهان، در محلی بین کاخ چهل ستون و میدان شاه بنا کرد و بی‌گمان بسیاری از قالی‌های گرانبهائی که از آن زمان باقی است محصول این کارگاه است.

در این دوران در چند شهر و ناحیه دیگر ایران از قبیل شیروان، جوشقان، کاشان، استرآباد، قراباغ و گیلان کارگاه‌های قالی‌بافی شاهی دایر شده بود. در آن زمان برای اولین بار پس از حمله اعراب بکار بردن گلابتون و تارهای زرین و سیمین همراه با ابریشم در قالی‌های تزئینی معمول شد که نمونه‌هایی از آن موجود است.

تا زمان شاه عباس کبیر قالی‌بافان اغلب از طرح‌های گذشتگان پیروی می‌کردند و کوشش زیادی در ابداع نقشه‌های جدید نمی‌شد و اگر گاهی پادشاهی هوسی می‌کرد، استاد از آمیختن نقش‌های گذشتگان طرح جدیدی بوجود می‌آورد. البته در زمان شاه طهماسب طراحی قالی رواج یافته بود ولی در دوران شاه عباس کبیر به اوج کمال رسید.

طرح «شاه عباسی» که انواع آن بسیار است هر یک در نوع خود شاهکاری محسوب می‌شود. بی‌گمان استادانی که در «نگارخانه شاهی» گرد آمده بودند در تکامل هنر قالی بافی بسیار می‌کوشیدند و تغییراتی در جهت پیشرفت این فن بوجود می‌آوردند. این وضع تا زمان شاه عباس دوم ادامه داشت. این هنرمندان بقایای شاگردان دستگاه‌های منظمی بودند که در زمان شاه عباس کبیر بوجود آمده بود. پس از شاه عباس دوم به سبب بی‌توجهی و آشفتگی کشور هنرمندانی که در دوران شاه طهماسب و شاه عباس کبیر گرد آمده بودند به تدریج پراکنده شدند و چون مورد تشویق و حمایت قرار نگرفتند کم‌کم در بوته فراموشی افتادند. حتی شاگردان و جانشینانی از خود باقی نگذاشتند و اگر هم باقی گذاشتند به علت نداشتن شوق و حامی آنطور که باید و شاید نتوانستند هنر خویش را نشان دهند.

سیر نزولی هنر قالی بافی مانند اغلب رشته‌های هنرهای زیبا از اواخر دوره صفوی مخصوصاً در دوره شاه سلطان حسین آخرین پادشاه بی‌کفایت این سلسله به نهایت رسید. در حمله افغانان بسیاری از آثار هنری از جمله قالی‌های پر ارزش معدوم شد و این هنر از رشد خود باز ماند.

### قالی بافی بعد از عصر صفوی

در زمان نادر شاه افشار و کریم خان زند آرامش طولانی در کشور بوجود نیامد ولی هنرمندانی بودند که به آشوب‌های پیاپی توجهی نداشتند و به کار خود سرگرم بودند. آرامش نسبی دوران کریم خان تا حدی محیط را برای دوران سکون دوره قاجار آماده ساخت. در زمان قاجاریه که آرامشی طولانی بر کشور حکم فرما شد به هنرهای زیبا توجه کافی مبذول شد. در دوران شاهانی چون فتح علی شاه و ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قالی بافی تقریباً رونق گذشته خود را پیدا

کرد ولی ظرافت و ابداع دوران صفوی را نداشت. قالی بافان در این دوران بیشتر از طرح‌های دوره صفوی تقلید می‌کردند و روی هم رفته کمتر ابتکاری از خودشان نشان می‌دادند. پس از قاجاریه در دوران پهلوی صادرات قالی رواج گرفت و این هنر در حیطة تجارت درآمد و کوشش صاحبان کارگاه‌های قالی‌بافی صرف آن شد که میزان تولید خود را افزایش دهند. به این علت دقت و ابتکار از عرصه این هنر رخت بریست و هنر قالی‌بافی از نظر کیفیت تنزل کرد. از طرفی رنگ‌های شیمیائی که ارزان و اغلب بی‌ثبات است به این تنزل کیفیت کمک کرد و از رواج و استعمال رنگ‌های طبیعی که تهیه آن مستلزم زحمت و دقت است جلوگیری کرد و به این طریق لطمه بزرگی به هنر قالی‌بافی زد.

در حال حاضر در بیشتر نقاط ایران قالی بافی رواج دارد و گذشته از نقشه‌های رایج، طرح‌های محلی مرسوم است. بطوری که قالی‌های ترکمنی، بختیاری، قشقائی، بلوچی و مانند آن نقشه‌های شناخته شده‌ای هستند و همه در محل‌های خود بافته می‌شوند. در بیشتر شهرها مثل همدان، کاشان، جوشقان، نائین، قم، اصفهان، سراب، بیجار، هریس و سنندج، بافندگان قالی زنان و در بعضی شهرها مانند تبریز، کرمان، مشهد و بیرجند این کار را مردان انجام می‌دهند. قالی‌هایی که امروزه بافته می‌شود سه نوع است که رایج‌ترین آنها پشم و نخ و بعد پشم در پشم و سوم ابریشم است.

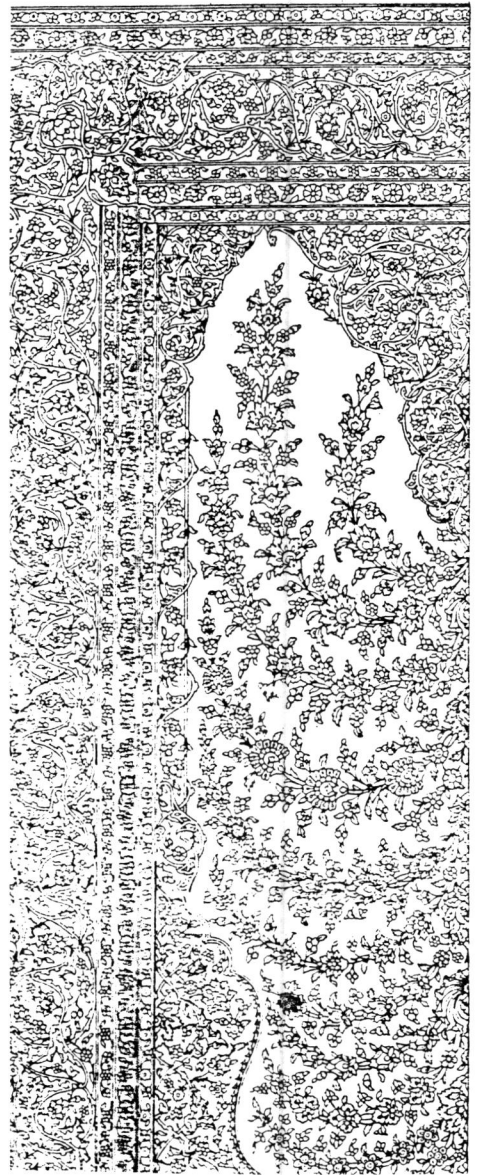
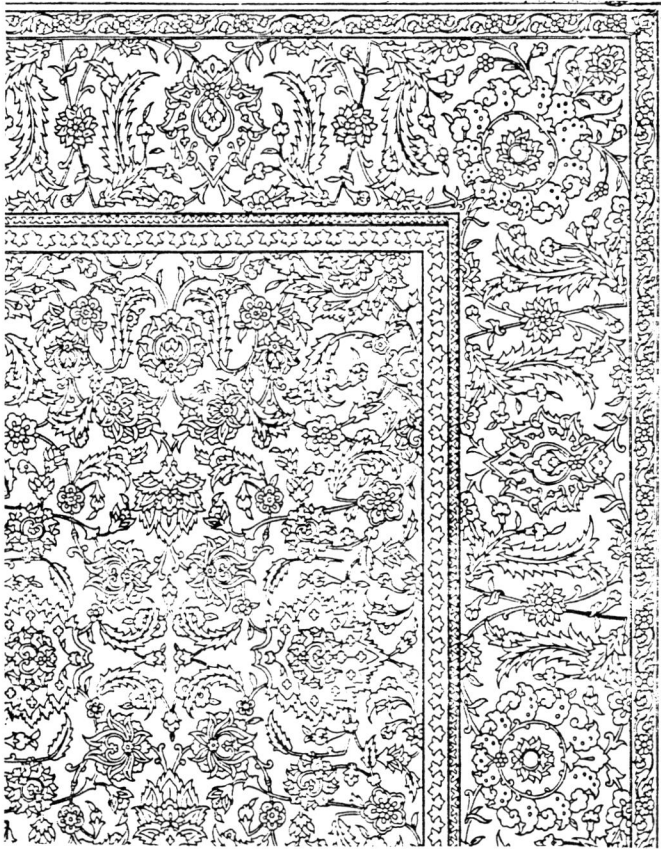
### نگاهی به طرح‌های قالی ایران

یکی از عوامل مهم هنر قالی بافی طرح و نقشه است. در عهد صفوی نقاشان و طراحان با یکدیگر همکاری می‌کردند و شاهکارهایی بوجود می‌آوردند که در قالی‌های آن عصر و سال‌های بعد منعکس شده است.

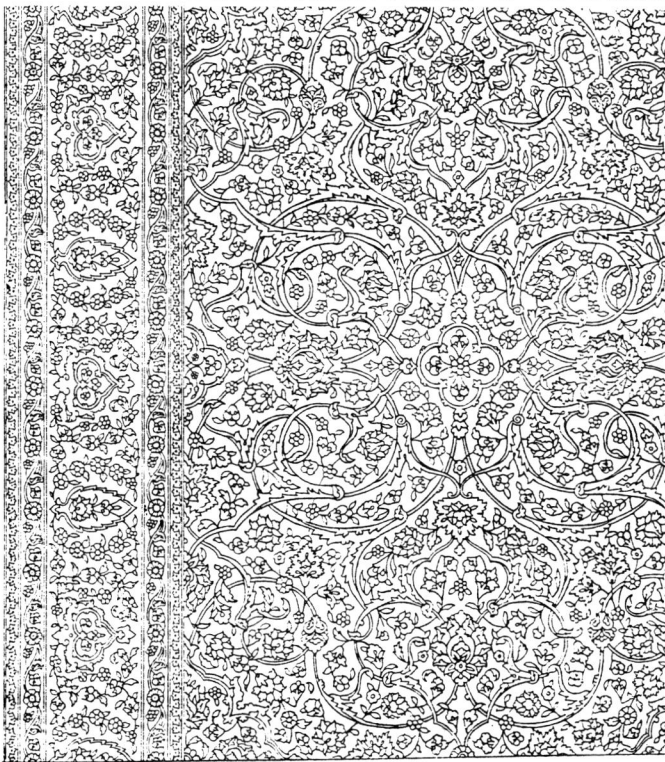
طرح و رنگ در روستاها و ایلات و عشایر ایران حکایت دیگری است. طرح‌ها و رنگ‌هایی که در قالی‌های این روستاها و در میان عشایر بکار گرفته می‌شود کار نقاش یا طراح مشخصی نیست بلکه این طرح‌های ساده به تدریج رو به کمال رفته و اهل یک محل یا یک ده همه در یک طرح قالی می‌بافند.

بی‌گمان طراح نقشه، قالی در عصر صفوی به کمال خود رسیده است. در این عصر طراحان و نقاشان صاحب نظر گرد هم می‌آمده‌اند و با نظر یکدیگر نقشه‌های مطلوب را برمی‌گزیدند و نقشه، قالی را به صورت یک چهارم طرح می‌کردند. این طرح یک چهارم در سه چهارم دیگر تکرار می‌شد و فی‌الواقع اساس نقشه‌های قالی‌ها را همین نقشه‌های یک چهارم تشکیل می‌داد. در بسیاری از طرح‌های عصر صفوی از عناصر طبیعت مانند گل و گیاه و بوته و شاخه و برگ و همچنین حیوانات مدد می‌گرفتند و نقش‌هایی مانند شکارگاه و سیمرغ و اژدها و دیو و پری و نیز قصه‌هایی مانند حکایت بهرام گور و لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد و امثاله را در این قالی‌ها می‌توان دید.

نقش شاه عباسی ( طرح از طاهر زاده بهزاد )



طرح سلطانی ( طرح از طاهر زاده بهزاد )



نقشه شاه عباسی ( طرح از طاهر زاده بهزاد )

## طرح‌های محلی معروف

بطوری که گفته شد در بسیاری از نواحی ایران قالی‌هایی با طرح‌ها و رنگ‌های مشخص بافته می‌شود که مخصوص آن محل است و به آسانی طرح و رنگ قالی هر محل را می‌توان تشخیص داد. از جمله می‌توان از طرح‌های بختیاری، ترکمن و بلوچی نام برد و نیز در اغلب شهرهای ایران که دارای قدمت می‌باشند قالی بافی با نقشه‌ها و طرح‌های شناخته شده وجود دارد که در بازار قالی معروف است مانند: مشک آبادی، ساروق، مزلقانی، درخشی، کردی، بجنوردی، فراهانی، هریسی، بیجاری...

بعضی از شهرهای معروف ایران که از مراکز قالی بافی هستند بجز طرح‌های محلی دارای نقش‌های مشخص و معروفی هستند که به دست هنرمندان آن شهرها بوجود آمده و خاص آن نواحی هستند و بخاطر تکرار و تداوم از جمله به طرح‌های کاشان، جوشقان، نائین، قم، اصفهان، کرمان و تبریز معروف شده‌اند.

## طرح‌های اسلیمی

از قرن نهم هجری به بعد بجای خطوط هندسی، خطوط منحنی در طراحی قالی راه یافت و طراحان قالی کم‌کم از طرح‌های هندسی بسوی طرح‌های اسلیمی ساده (که منحنی است) روی آوردند که به تدریج رو به کمال رفت و در عصر صفوی به اوج زیبایی خود رسید. طرح‌های اسلیمی به تدریج مراحل کمال و تنوع را پیموده در حاشیه و متن قالی در اشکال مختلف بکار گرفته شد و به مرور زمان تکامل یافت.

## بوته جقه

بوته جقه یا بته جقه یکی دیگر از طرح‌های مشهوری است که «بته کشمیری» و «بته ترمه» نیز خوانده می‌شود. این طرح ابتدا بر روی شال‌های هندی که شال کشمیر خوانده می‌شدند و نیز روی شال‌های ترمه پدیدار شد و از آنجا به نقشه‌های قالی سرایت کرده است.

بته جقه که سروی سر خم کرده را بطور تجریدی نشان می‌دهد انواع گوناگون دارد که با اسلیمی‌ها و ختائی‌ها و بته جقه‌های کوچک‌تر تزئین می‌شود که هر هنرمند به ابتکار خود طرح‌هایی نو پدید می‌آورد.

در تذهیب نیز از بته جقه به وفور استفاده می‌شود و نمونه‌های آن را در آثار اساتید تذهیب از جمله مذهب معروف بهائی استاد لطف الله موهبت می‌توان دید.

بته جقه چون طرحی قدیمی است به نام هر ناحیه که قالی بافته می‌شود خوانده می‌شود، مانند بته حاجی آباد، بته همدان، بته نائین، بته کرمان و غیره.

## لچک و ترنج

طرحی که در چهار گوشه، قالی به صورت یکسان تکرار می‌شود «لچک» خوانده می‌شود که به

شکل‌های بسیار متنوع در نقشه‌های قالی طراحی و بافته می‌شود. «ترنج» طرح بیضی شکلی است که وسط قالی بافته می‌شود که به اشکال بسیار متنوع در قالی‌ها بافته می‌شود.

## ختائی

در این طرح که از گل و بوته‌های طبیعی اقتباس شده خط مستقیم کمتر بکار می‌رود. در طرح‌های ختائی گلی اصلی وجود دارد که با گل‌ها و بوته‌ها و برگ‌های پیرامون آن کامل می‌شود. در طرح‌های ختائی از گل‌های شاه عباسی استفاده می‌شود.

## گل‌های شاه عباسی

در زمان صفویه در ختائی‌ها بیشتر از گل‌های شاه عباسی استفاده شده است. بعضی از انواع گل‌های شاه عباسی عبارتند از گل گرد، پیچک، پیچک گل گرد دار، برگی، گل برگی، سه برگی، اناری، اناری و برگی، سه گل درهم، دو گل درهم... این گل‌ها را گل شاه عباسی یا گل شاه صفی می‌خوانند که مسلماً از زمان شاه عباس به بعد در سال‌های متوالی مورد استفاده، طراحان قالی قرار گرفته و متأسفانه برای افزودن به این گنجینه، پر بها کمتر کوششی بکار رفته است.

## پایان سخن

در دهه‌های اخیر که قالی به عنوان یک کالای تجارتي به بازارهای اروپا و آمریکا راه یافت تولید کنندگان قالی بجای اینکه در صدد تکمیل و تعالی کارهای سابق برآیند با هدف تولید هر چه بیشتر از مرغوبیت و کیفیت قالی کاستند و عوامل منفی مختلف از جمله استفاده از رنگ‌های شیمیائی و مواد اولیه، نامرغوب و عدم توجه به هویت فرش هر منطقه باعث سقوط میزان کیفیت فرش ایران گردید. یکی دیگر از این عوامل منفی هرج و مرجی است که در هویت محلّ فرش‌های ایران بوجود آمده است بدین معنی که مثلاً فرش نائین در قم و فرش کاشان در اصفهان بافته می‌شود.

تقلید ممالک دیگر از قبیل هند و پاکستان و نپال از نقشه‌های اصیل ایرانی و نیز رواج فرش‌های ماشینی همه باعث رکود فرش اصیل ایرانی گردیده است که بحثی مفصل و از حوصله این سخنان خارج است.

## مآخذ

- ۱- کتاب نظری به هنر ایران، تألیف پروفیسور اپهام پوپ.  
A Survey of Persian Art by Prof. Upham Pope.
- ۲- کتاب قالی ایرانی، تألیف سسیل ادوارد.  
Persian Carpet by Cecil Edward.